

روش شناسی کلامی سید بهاء الدین نیلی

نجفی

محمدحسین نجفی کانی^۱

چکیده

سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم نجفی نیلی از متکلمان شیعه در قرن هشتم است. او در زمینه های مختلف علمی، از جمله اعتقادات، آثاری دارد. روش کلامی او ترکیبی از نقل و حیانی و عقل فلسفی است. آیات قرآنی نقش ویژه‌ای در مباحث کلامی ایشان دارد. وی کوشیده است، هر موضوعی را قبل از بررسی کلامی و فلسفی، با استفاده از قرآن کریم به سرانجام برساند. ایشان با برخی مبانی فلسفی و تبعات و آثار کلامی آنها آشکارا مخالفت کرده است. رویکرد نقادانه و تطبیقی، و اهتمام به بررسی آراء مخالف، در اثر کلامی موجود وی مشهود است.

واژه‌های کلیدی: علی بن عبدالکریم نیلی، روش شناسی، رویکرد قرآنی، کلام تطبیقی.

۱. دانش آموخته سطح چهار، مرکز کلام، مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام، رایانامه:

Najafi576@mihanmail.ir

۱. زندگی‌نامه و شخصیت علمی

سید بهاء‌الدین، علی بن عبد‌الکریم بن عبدالحمید نیلی^۱ نجفی از نوادگان امام زین‌العابدین علیه‌السلام، نسب کامل خود را چنین ذکر می‌کند: «علی بن عبد‌الکریم بن عبد‌الحمید بن عبد‌الله بن احمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن عبد‌الحمید بن عبدالله بن احمد بن محمد بن عمر بن یحیی بن الحسین بن احمد بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن الامام زین‌العابدین و سید الساجدین علی ابن الامام سید الشهداء ابن الامام امیرالمومنین و یعسوب‌الدین علی بن ابیطالب» (نیلی نجفی، مخطوط: ۱۵۹).

بزرگان مذهب، در توصیف او از تعابیری مانند: «المولی‌السیّد المرّضی‌العلّامه» (ابن‌فهد حلّی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۱۹۴)، «السیّد النقیب الحسیب» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱: ۱۷)، «السیّد المعظّم المجتّب» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۳: ۲۰۲)، «الفقیه، الشاعر، الماهر، العالم، الفاضل، الكامل، صاحب‌المقامات و الکرامات العظیمة..» (افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۱۲۴)، و «السیّد الاجلّ الاکمل الارشد المویّد العلّامه‌التحریر» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۲: ۲۹۶-۲۹۷) استفاده کرده‌اند که بر مراتب علمی و عملی او دلالت دارد.

زمان دقیق ولادت و وفات سید عبد‌الکریم نیلی معلوم نیست، ولی از آنجا که استاد وی، سید عمید‌الدین عبد‌المطلب بن الاعرج در سال ۷۵۴ق وفات یافت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰، ۵: ۱۲۷) او در این زمان باید حدّ اقل عمری در حدود ۱۵ سال داشته باشد تا امکان شاگردی اعرج برای او ممکن بوده باشد. بنابراین ولادت وی را می‌توان حدود سال ۷۴۰ قمری دانست.

نیز از آنجا که ابن‌فهد حلّی (۷۵۷ — ۸۴۱ق) شاگرد سید عبد‌الکریم نیلی، در کتاب «المهذب‌البارع» که در سال ۸۰۳ قمری تألیف آن پایان یافته (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۲۹۳) پس از نقل قولی از استادش سید عبد‌الکریم، از او تعبیر به «دامت فضائله» می‌کند (ابن‌فهد حلّی، ۱۴۱۴، ۱: ۱۹۴)، می‌توان فهمید که او تا سال ۸۰۳ قمری در قید حیات بوده است. بنابراین می‌توان زمان تقریبی زندگی سید عبد‌الکریم نیلی را ۷۴۰-۸۰۳ قمری دانست (رک: نیلی نجفی، ۱۳۷۸: ۱۸، مقدمه تحقیق).

۱. نیلی منسوب به نیل، مکانی بین کوفه و بغداد، که حجاج آن را بنا نهاد، و اکنون شهری آباد در نزدیکی بابل عراق است، و جماعتی از علماء به آن منسوب‌اند (امین، ۱۴۰۳، ۸: ۲۶۶).

اساتید او عبارتند از شیخ فخرالدین محمد بن حسن بن مطهر حلّی (۶۸۲-۷۷۱ق)، (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۱۵)، سید عمید الدین عبدالمطلب بن محمد بن علی بن اعرج حسینی (۶۸۱-۷۵۴ق)، شیخ شهید ابو عبدالله محمد بن جمال الدین مکی (۷۳۴-۷۸۶ق) (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۵۱؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۲: ۳۰۱).

ایشان در کتاب الأنوار المضيئة، چند نفر از مشایخ خود را نام برده و از آنها نقل روایت می‌کند که عبارتند از:

۱. علامه حلّی، که از وی اجازه نقل روایت داشت (نیلی نجفی، مخطوط: ۱۷۴ و ۱۹۶)؛ ۲. سید هبه الله راوندی (رک: همان: ۱۹۱، ۱۹۷ و ۲۵۲)؛ ۳. ابی عبدالله المفید (همان: ۲۳۸ و ۲۵۳).

برخی از کسانی که از او نقل روایت کرده‌اند، عبارتند از: شیخ عزالدین حسن بن سلیمان محمد بن خالد حلّی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۱۵) و احمد بن محمد بن فهد حلّی (۷۵۷-۸۴۱ق) (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۱۵؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۱: ۲۵). قاضی نور الله مرعشی از کتاب «الأنوار المضيئة» سید عبدالکریم بسیار استفاده کرده و گاهی عین عبارت کتاب را آورده است (رک: نیلی نجفی، مخطوط: ۶۱؛ مرعشی، ۱۴۰۹: ۵۱).

۲. آثار و تالیفات

سید عبدالکریم نیلی آثاری در موضوعات مختلف تفسیر، کلام، حدیث، فقه، اصول و رجال تالیف کرده، که از میان همه این آثار، تنها بخش کلامی کتاب «الأنوار المضيئة فی الحکمة الشرعية» موجود است. اما با استناد به اسامی و اوصاف تصنیفاتی که خود ایشان در کتاب الأنوار المضيئة ذکر کرده، این موارد را می‌توان از آثار او به‌شمار آورد: تبیان انحراف صاحب الکشاف، النکت اللطاف الواردة علی صاحب الکشاف، الإنصاف فی الردّ علی صاحب الکشاف، و الدرّ النضید فی تعازی الامام الشهدید (نیلی نجفی، مخطوط، ۱۴۸ و ۱۹۶). همچنین، با استناد به کتب تراجم و مؤلفانی که از وی مطالبی نقل کرده‌اند، این موارد نیز بر آثار وی افزوده می‌شود: السلطان المفترج عن أهل الايمان، الغيبة، سرور أهل الايمان، المفتاح، الزبدة، إيضاح المصباح لأهل الصلاح و الرجال (رجال النیلی).

در ادامه، به محتوای برخی از این آثار اشاره می‌شود:

۲-۱. الدرّ النضید فی تعازی الامام الشهدی

بنا بر تصریح سید عبدالکریم نیلی در کتاب الأنوار المضيئة، وی این کتاب را در ۱۳ بخش تنظیم کرده تا در عزاداری دهه اول ماه محرم، هر بخش آن در یک مجلس مورد استفاده و تعاط قرار گیرد (نیلی نجفی، مخطوط: ۱۹۶). این کتاب از مصادر کتاب بحار الانوار است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱: ۳۴). صاحب ریاض العلماء و الذریعة از این کتاب یاد کرده اند و ظاهراً کتاب نزد ایشان موجود بوده است (افندی، ۱۴۳۱، ۲: ۱۱؛ ۴: ۱۲۸؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۸: ۸۱).

۲-۲. السلطان المفرج عن أهل الإيمان

این کتاب نیز از مصادر کتاب بحار الأنوار است و علامه مجلسی در توصیف آن می‌گوید: این کتاب مشتمل بر اخبار غریبه‌ای در باب رجعت و احوالات امام عصر عج است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱: ۳۴). علامه مجلسی داستان‌هایی در باب کسانی که موفق به دیدار حضرت حجت شده‌اند از این کتاب نقل می‌کند (همان، ۵۲: ۷۰).

۲-۳. الغیبة

علامه مجلسی در کتاب بحار الأنوار از این کتاب نقل روایت کرده است (همان، ۵۲: ۳۸۵-۳۹۱).

۲-۴. سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان

علامه مجلسی این کتاب را متعلق به سید عبدالکریم نیلی و مشتمل بر نوادر اخبار دانسته و ده حدیث در باب علامات ظهور از آن نقل می‌کند (همان، ۱: ۱۷). صاحب ریاض که نسخه‌ای از این کتاب نزد وی موجود بوده است، آن را گزیده‌ای از کتاب «الغیبة» مصنف دانسته، که شخص دیگری آن را تدوین کرده است (افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۱۲۷)، اما آقا بزرگ تهرانی، آن را به خود سید عبدالکریم نسبت می‌دهد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۲: ۱۷۴).

۲-۵. بیان انحراف صاحب الکشاف؛ النکت اللطاف الواردة علی صاحب الکشاف

مصنّف در آغاز کتاب الأنوار المضيئة می‌گوید: هشتمین اشکال بر کشف وارد است که من در دو کتاب «تبیان انحراف صاحب الکشاف» و «النکت اللطاف الواردة علی صاحب الکشاف» آنها را گردآوری کردم (نیلی نجفی، مخطوط: ۳). وی در موضع دیگری از این کتاب می‌گوید: «و بسطنا البحث فی هذه المقالة فی کتابنا المسمی بـ

بیان انحراف صاحب الکشاف» (همان: ۱۴۸).

کتاب دیگری با عنوان «الإنصاف فی الردّ علی صاحب الکشاف» به ایشان نسبت داده شده که به احتمال زیاد، یکی از دو کتاب مذکور است و کتاب سومی نیست (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۹۷).

۲-۶. المفتح

۲-۷. الزبده

سید عبدالکریم نیلی در الأنوار المضيئة از این دو کتاب خود نام برده، ولی در منابع دیگر اثری از آن دو یافت نشد (نیلی نجفی، مخطوط: ۱۸۸).

۲-۸. إيضاح المصباح لأهل الصلاح

نسخه خطی این کتاب که در شرح «المصباح الصغير» شیخ طوسی نگاشته شده (افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۱۳۰-۱۳۱)، در کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی موجود است.

۲-۹. الرجال (رجال النيلي)

این کتاب از تالیفات سید عبدالکریم نیلی است که شاگرد ایشان، جمال الدین ابن اعرج، با اجازه مؤلف، آن را تکمیل کرد (افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۱۳۱-۱۳۳).

۲-۱۰. الأنوار المضيئة فی الحکمة الشرعية

مصنّف همان گونه که در مقدمه کتاب وعده داده است (نیلی نجفی، مخطوط: ۷-۸)، در این کتاب به پنج موضوع پرداخته، که هر موضوع، یک جلد از کتاب را به خود اختصاص داده است.

در جلد اول، به مسائل اعتقادی و اثبات باورهای شیعه اثناعشری و ردّ دیدگاه‌های مخالف با استفاده از ادله عقلی و نقلی، و نیز بیان نکات ارزشمند معرفتی با محوریت قرآن کریم پرداخته است. جلد دوم به بیان ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و عام و خاص و مسائلی دیگر از مسائل اصول فقه اختصاص دارد. در جلد سوم و چهارم کتاب، فقه آل محمد عليهم السلام، و در جلد پنجم، اسرار قرآن و قصه های قرآنی مورد بحث واقع شده است (رک: افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۱۳۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۱۷).

شیخ آقا بزرگ تهرانی در وصف این کتاب می‌نویسد:

«آن، کتاب مبسوطی در پنج جلد است که از فهرست آن، که در سال ۷۷۷ق در

ابتدای کتاب نگاشته شده، معلوم می‌شود که در این کتاب مطالبی آورده شده که انسان‌ها به دانستن آن شوق دارند. مطالب آن عبارتند از: حکمت شرعی علمی و عملی که شامل معارف پنج‌گانه و ابواب فقه و احکام عملی و آداب و سنن و غیر آن می‌باشد. صاحب معالم جلد اول و فهرست سایر مجلدات آن را در کتابخانه غروی دیده و برخی خصوصیات آن را بیان کرده است. جلد اول با فهرستش نزد استاد ما، علامه نوری موجود بوده و در صفحه ۴۳۵ از مستدرک، نسب مولف و برخی مطالب کتاب را با عبارت خود کتاب، آورده است. و همچنین گفتیم که مؤلف آن، استاد شیخ احمد بن فهد حلی متوفای ۸۴۱ق بود، و او سید بهاء‌الدین علی بن غیاث‌الدین عبد‌الکریم بن عبدالحمید الحسینی النیلی النجفی است» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۱۷-۴۱۸).

متأسفانه از مجموعه این پنج جلد، فقط نسخه‌ای خطی از جلد اول موجود است که به همت موسسه پیام امام هادی علیه السلام تصحیح و تحقیق آن به پایان رسیده و در شرف چاپ و انتشار است.

مصنف در مقدمه جلد اول کتاب، مفسران قرآن را در تبیین حقایق قرآنی و معارف آیات غیر موفق می‌داند (نیلی نجفی، مخطوط: ۷)، و با ذکر آیه شریفه ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ (بقره: ۲۶۹) و بیان اینکه مراد از حکمت در قرآن کریم، حکمت شرعی است، و تقسیم حکمت شرعی به حکمت عملی (آیات دال بر آداب، مسائل فقهی، قصص و خواص و ادعیه الهیه و...) که فرقه ناجیه به آن معتقد است) و علمی (علوم الهی و مسائل کلامی مثل نبوت و امامت و معاد و احوال یوم القيامة و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ و عام و خاص و مجمل و مفصل و مطلق و مقید و...)، غرض خود در این کتاب را تبیین معارف حکمی قرآن کریم برمی‌شمارد (همان: ۸).

ایشان تفسیر حکمت در قرآن به «حکمت فلسفی» را خطا دانسته و آن را سبب لغزش و خطا در فهم معارف دینی می‌داند، و با بیان اینکه همه معارف از قرآن قابل کشف است، می‌گوید: «غرض از تالیف کتاب، فهم درست معارف اعتقادی و فقهی و کشف حقایق دینی از قرآن کریم است» (همان).

۳. روش تدوین و تألیف

جلد اول کتاب الأنوار المضيئة از یک مقدمه و پنج باب تشکیل شده است:

مقدمه مشتمل بر این موارد است: فضل قرآن کریم و اوصاف آن، اثبات انتساب آن به خداوند، اثبات عدم تحریف قرآن، و چند فصل در باب تفکر، فضیلت کسب علم، حقیقت علم و انواع آن.

۱. باب اول، خداشناسی نام دارد و مشتمل بر دو بحث است:

۱-۱. بحث اول، صفات ثبوتیه، و مشتمل بر یازده فصل است:

فصل اول به اثبات واجب الوجود اختصاص دارد که مشتمل است بر ضرورت خداشناسی و براهین اثبات وجود خداوند.

فصل دوم، به اثبات و تبیین قدرت الهی و نقد دیدگاه فلاسفه در «قاعده الواحد» و فاعل موجب دانستن خداوند، و نیز نقد اشاعره در باب افعال الهی اختصاص دارد.

در فصل سوم علم خداوند و نقد و بررسی دیدگاه‌ها در باب علم الهی مطرح می‌گردد.

در فصل چهارم تا یازدهم، این مباحث به ترتیب طرح شده است: حیات الهی، مرید و کاره بودن خداوند، مُدرک بودن خداوند، تکلم الهی، قدیم و باقی و سرمدی بودن خداوند، سمیع و بصیر بودن، غنی بودن و واحد بودن.

۲-۱. بحث دوم از باب اول در مورد صفات سلبی، و مشتمل بر پنج فصل است: عدم ترکیب، عدم رؤیت، عدم صدور قبیح، امتناع الم و نفی جوهر و عرض بودن خداوند.

۲. باب دوم با عنوان «احکام»، مشتمل بر مقدمه‌ای در حسن و قبح عقلی و شش بحث است: قدرت انسان در افعالش، تکلیف، لطف، ارزاق و آجال، ایمان و توبه.

۳. باب سوم، در موضوع نبوت، و مشتمل بر پنج بحث است: تعریف نبی، عصمت نبی، اعجاز، اشرفیت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام بر مخلوقین، و برتری پیامبران بر فرشتگان. وی در این بخش به بیان مطالب تاریخی مربوط به حیات و ولادت رسول خدا و ازدواج عبدالله و آمنه سلام الله علیهما نیز پرداخته است (نیلی نجفی، مخطوط: ۱۰۷).

۴. باب چهارم، در موضوع امامت، و مشتمل بر سه بحث است:

۴-۱. بحث اول در اثبات امامت امام علی علیه‌السلام به طریق عقلی و نقلی.

۴-۲. بحث دوم در اثبات امامت ائمه اثنا عشر، که خود مشتمل بر یک مقدمه در اوصاف کمالی ائمه معصومین علیهم‌السلام، و دو فصل که عبارتند از: اثبات امامت ائمه با عقل و نقل، و ذکر فضائل و معجزات و رهنمودهای ائمه علیهم‌السلام.

فصل دوم، خود مشتمل بر دوازده باب است و هر باب به یک امام اختصاص دارد، و در آن به تفصیل به بیان سیره و فضائل و تاریخ زندگی ائمه علیهم السلام می پردازد. باب دوازدهم این فصل، که اختصاص به حضرت مهدی عج دارد، به صورت مستقل، در سال ۱۳۷۵ توسط موسسه پیام امام هادی علیه السلام به چاپ رسیده است. این فصل خاتمه ای دارد که در آن به مقامات ائمه علیهم السلام پرداخته شده است.

سیدعبدالکریم نیلی در این خاتمه، به اموری چون مسأله انتقال بدن ائمه علیهم السلام بعد از دفنشان (نیلی نجفی، مخطوط: ۱۴۹) و مسأله حضور امام علی علیه السلام در کنار محتضر به هنگام قبض روح (همان: ۱۵۰-۱۵۴) نیز پرداخته است.

۳-۴. بحث سوم باب امامت، مساله امر به معروف و نهی از منکر است. مصنف در توجیه داخل کردن این بحث در باب امامت گفته است: «چون فقط آنها (ائمه علیهم السلام) هستند که حقیقتاً امر به معروف و ناهی از منکرند» (همان: ۳۸۶).

۵. باب پنجم مربوط به معاد و مسائل آخرت، و مشتمل بر دو بحث است: نفس و معاد جسمانی.

یکی از ویژگی های کتاب الأنوار المضيئة، توجه به سوالات و شبههاتی است که در بحث وارد شده است. مؤلف با طرح شبهه تلاش می کند جواب قانع کننده ای نیز برای آن بیان کند. نمونه هایی از این رویکرد عبارتند از:

پاسخ به شبهه براهمه در باب نبوت (نیلی نجفی، مخطوط: ۹۳ — ۹۴)، پاسخ به سوالات و شبههاتی که پس از ذکر یک روایت، ممکن است ذهن خواننده را به خود مشغول کند (همان: ۲۱۹)، پرداختن به شبهات مربوط به قیام زید بن علی علیه السلام در خلال بحث از زندگی امام باقر علیه السلام (همان: ۲۲۵) و پاسخ گویی به شبهات ادله اثبات وجود خداوند (همان: ۳۱-۳۲).

۴. کارکرد علوم در روش کلامی سید عبدالکریم نیلی

آثار سید عبدالکریم نیلی بیان گر جامعیت او در شاخه های مختلف علوم معقول و منقول است. و در کتاب کلامی خویش در موارد لزوم، به خوبی از همه آنها بهره گرفته است:

۴-۱. علوم عقلی

۴-۱-۱. منطق

منطق از علوم آلی است و کاربرد آن در همه علوم- به‌ویژه علوم عقلی- ضروری است، و کاربرد آن از ویژگی‌های روش‌شناختی متکلم خاصی به شمار نمی‌رود. ولی دقت یا عدم دقت لازم و کافی در بکارگیری قوانین منطقی و اهتمام به برخی از آنها و تبیین یا عدم تبیین قواعد منطقی در خلال مباحث کلامی، می‌تواند وجه تمایز و تفاوت متکلمان در استفاده از منطق در مباحث کلامی باشد.

بهره‌گیری دقیق محقق نیلی از قواعد منطقی، نشان‌گر تسلط وی به علم منطق است. او در اثبات دعاوی خود از قیاس اقترانی و قیاس استثنایی بسیار استفاده کرده است. از باب نمونه برای اثبات علم الهی، از قیاس اقترانی شکل اول استفاده کرده و گفته است:

«خداوند مختار است و هر مختاری عالم است، پس خداوند عالم است» (نیلی نجفی، مخطوط: ۳۹).

وی با استفاده از قیاس اقترانی شکل اول و سپس عکس مستوی، در رد دیدگاه اشاعره در کلام الهی- که آن را از قبیل معانی دانسته‌اند- می‌گوید:

«کلام خداوند شنیده می‌شود، هیچ معنایی قابل شنیدن نیست، پس هیچ کلامی، معنا نیست. و این سالبه کلیه، این‌گونه عکس می‌شود که: هیچ معنایی کلام نیست» (همان: ۴۹).

در اثبات امتناع آلم در خداوند، قیاس شکل اولی را بدون ذکر نتیجه آورده و گفته است: «هرچه که غیر خداوند است، معلول او است و هیچ معلولی با علت خود منافات ندارد» (همان: ۶۸).

همچنین با ذکر قیاسی اقترانی در اثبات حسن تکلیف گفته است: «تکلیف، فعل خدا است، همه افعال الهی حسن است، نتیجه اینکه: تکلیف حسن است» (همان: ۸۳).

در اثبات نبوت، قیاس اقترانی شکل اولی آورده و گفته است: «وجود نبی شرط وجود تکلیف است، هر آنچه که شرط وجود تکلیف باشد، واجب است، پس وجود نبی واجب است» (همان: ۹۳).

ایشان در ابطال اینکه علم، صورتی در نفس عالم است، از چهار قیاس استثنایی

اتصال استفاده کرده است، که یکی از آن موارد چنین است:

«اگر علم عبارت از صورتی در نفس عالم باشد، نفس، محلّ جزئیات خواهد بود، لکن تالی باطل است، پس مقدم هم باطل است» (همان: ۴۳-۴۴).

در اثبات سابق بودن تکلیف بر فعل، در قالب قیاس استثنایی گفته است:

«اگر تکلیف در حال فعل باشد، عصیان حاصل نمی‌شود، و تالی باطل است، پس مقدم هم باطل است» (همان: ۸۲).

ذکر قیاس مضمّر در اثبات کلام الهی (همان: ۴۹) و استفاده از قاعده عدم امکان اجتماع ضدّین (همان: ۶۱)، و عدم امکان اجتماع نقیضین که در ردّ «قاعده الواحد» از آن استفاده کرده (همان: ۳۵)، از دیگر نمونه‌های کاربرد منطق در اثر کلامی ایشان است.

محقق نیلی در مواردی از استدلال خطابی بهره برده است. استفاده از علم حروف و اعداد در اثبات یک مدّعا، از نمونه‌های آن است. محقق نیلی گفته است:

﴿اُمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ با «امّ جمیل بنت حرب» که نام همسر ابولهب است، عددشان مساوی است، پس مراد آیه قرآن، این زن است. همچنین «ابوطالبیم که اسم حقیقی‌اش عبد مناف است، با ﴿كَانَ مُسْلِمًا﴾ یک عدد مساوی است، پس ابوطالب حتماً مسلمان بوده است (همان: ۱۴۹).

او در ضمن ادله اثبات امامت امیرالمومنین علی ع می‌گوید: اگر حروف تکراری از حروف مقطعه حذف شود، جمله «علی صراط الحق، نُمِسِّكُهُ» به دست می‌آید، و این دلالت بر حقانیت و جوب تبعیت از ایشان دارد (همان: ۱۴۰).

ایشان در اثبات رجعت ائمه علیهم‌السلام می‌گوید: چون آنها افضل از عیسی هستند و عیسی برمی‌گردد، پس اینها هم برمی‌گردند (همان: ۱۵۳).

استفاده از خواب و رؤیا در اثبات فضیلت برای ائمه علیهم‌السلام، از دیگر موارد استدلال خطابی ایشان است (همان: ۱۶۶ و ۲۰۸-۲۰۹).

سید عبدالکریم نیلی از استدلال جدلی نیز به خوبی بهره گرفته است. وی پس از نقل سخن براهمه در کفایت عقل و عدم احتیاج به نبی، می‌گوید:

«ما می‌توانیم با آنها معارضه کنیم و بگوییم: این سخن شما یا موافق با عقل است و یا با عقل مخالفت می‌کند، اگر سخن شما موافق با عقل است، ما عقل داریم و نیازی به آن نداریم، و اگر مخالف با عقل است، که قبول آن جائز نیست. بنابراین، هیچ

احتیاجی به این سخن شما وجود ندارد» (همان: ۹۴).

وی با بیان اینکه بعضی فلاسفه ادراک اشیاء را به واسطه جوهر مجرد، ممکن می‌دانند، در بیانی جدلی خطاب به فلاسفه می‌گوید: حال که ادراک را با آلت، درست می‌دانید، پس در علم به جزئیات هم باید معتقد به امکان آن به واسطه آلت باشید (همان: ۴۸).

ایشان در بحث مدرک بودن خداوند، با بیان اینکه فلاسفه خداوند را متّصف به لذت می‌دانند، می‌گوید: «لازمه پذیرش آن، پذیرش اتصاف خداوند به اراده است، اگر لذت را در خداوند جائز می‌دانید، پس باید اراده را هم جائز بدانید» (همان: ۴۸).

۲-۱-۴. معرفت شناسی

هرچند معرفت شناسی در زمان حیات جناب سید عبدالکریم نیلی، به عنوان علمی مستقل مطرح نبود، ولی برخی از مباحث معرفت شناسی مانند ابزارهای معرفت، امکان تحصیل یقین و شبهات سوفسطائیان و پاسخ آن‌ها، مورد توجه محققان بود. محقق نیلی نیز به این مباحث نظر داشته و به آنها پرداخته است. وی دیدگاه مشهور درباره اینکه علم را صورت معلوم نزد عالم می‌دانند، نپذیرفته و دیدگاه فخر رازی که علم را اضافه‌ای بین عالم و معلوم دانسته، برگزیده است (نیلی نجفی، مخطوط: ۴۲-۴۵).

علم تصدیقی از نظر او همان یقین بالمعنی الاخص است که عبارت است از اعتقاد جازم، ثابت و مطابق با نفس الامر (همان: ۲۳).

تقسیم علم به بدیهی و نظری و بیان اقسام بدیهیات از دیگر مباحث معرفت شناسی در کتاب «الأنوار المضيئة» است (همان: ۲۶).

۳-۱-۴. فلسفه

اگرچه محقق نیلی چهره‌ای مخالف فلسفه به شمار می‌آید و در مواضع مختلف از جمله بحث قدرت الهی (نیلی نجفی، مخطوط: ۳۳)، علم خداوند (همان: ۳۴ و ۵۶-۵۸)، اراده الهی (همان: ۴۶-۴۷) و بحث وحی (همان: ۹۴-۹۵)، فلاسفه را نقد کرده است، ولی خود، از استدلال‌های عقلی و فلسفی در اثبات دیدگاه خود یا رد دیدگاه مخالف بهره برده است.

ایشان اثبات وجود خدا را با برهان امکان و وجوب آغاز می‌کند (همان: ۳۰) و بعد، برهان حدوث را با تقریری مبتنی بر اصل علیّت ذکر می‌کند (همان)، در ادامه برهان

صدیقین را با تقریر ابن سینا می‌آورد (همان: ۳۱) و در ضمن براهین عقلی اثبات وجود خداوند، بحث علیّت و بطلان دور و تسلسل را مفصلاً مورد بحث قرار می‌دهد (همان: ۲۹-۳۱).

در ردّ دیدگاه فلاسفه در باب علم الهی (علم به جزئیات از طریق ماهیت کلیّه) با ارائه استدلالی فلسفی می‌گوید: «لازمه اینکه خداوند به جزئی بر وجه کلی عالم باشد این است که قابل و فاعل باشد» (همان: ۴۱).

سید عبدالکریم نیلی در نقد منکرین علم خدا به آنچه که بی‌نهایت است، می‌گوید:

«آیا حکم کردن بر چیزی به این که متمیز از غیر خود است، مسبوق به تصور آن نیست؟ پس اگر تصوّر آن هم متوقف بر تمیّز باشد، دور لازم می‌آید که محال است، پس دلیل ایشان محال است» (همان: ۴۳).

در ردّ دیدگاه اشاعره در قدیم دانستن کلام الهی، با بیانی فلسفی می‌گوید:

«اگر خدا قدیم باشد، باید امر باشد در حالی که مأموری در کار نیست، لکن تالی باطل است، پس مقدم هم باطل است».

و در ردّ دیدگاه اشاعره که کلام را قدیم می‌دانند، گفته است: «حروف و اصوات، مسبوق به غیر بوده و معدوم می‌شوند، قدیم، مسبوق به غیر نیست و معدوم نمی‌شود» (همان: ۵۰).

نیلی در اثبات عدم اُلَم در خداوند و پاسخ به شبهات وارد بر آن، با استدلالی فلسفی می‌گوید:

«هرآنچه غیر خداوند است، معلول او است و هیچ معلولی در منافات با علّت خود واقع نمی‌شود» (نیلی نجفی، مخطوط: ۶۸).

او در نفی جوهریت و عرضیت از خداوند می‌گوید:

«جوهر محلی است که عرض به آن قوام می‌یابد، پس اگر جوهر باشد، محلّ خواهد بود و آن قسم دوم است، بنابراین ملازمه آشکار است؛ چرا که حالّ و محلّ مقتضی ترکیب هستند و ترکیب بر او محال است، پس حالّ یا محلّ بودن بر او محال است، در نتیجه تالی باطل است، بنابراین مقدم هم باطل است، پس او نه جوهر است و نه عرض، و مطلوب همین بود» (همان: ۶۹).

۴-۱-۴. طبیعیات و هیئت

ایشان در اثبات امکان ترجیح بلا مرجح، به گفته‌هایی از فلاسفه در طبیعیات استناد می‌کند تا به عنوان مصداق ترجیح بلا مرجح، رای فلاسفه را نقض کند. او می‌گوید:

چگونه فلاسفه می‌توانند معتقد به محال بودن ترجیح بلا مرجح باشند؟ آیا ترجیح بلا مرجح لازمه قواعدی که مباحث خود را متفرع بر آن می‌دانند و در ادله به آن‌ها رجوع می‌کنند، نیست؟ از همین قبیل است تعیین دو نقطه معین از میان نقطه‌ها با اینکه در ماهیت قطبیه همه مثل هم هستند. و تعیین دایره معین برای اینکه محلّ نقطه باشد و خطّ معین از میان خط‌ها برای اینکه محور باشد. و همچنین است اختصاص هر فلکی به حرکت در جهتی معین و با سرعت معین، از میان جهات و سرعت‌ها. و همچنین است اختصاص هر فلک و عنصری به حدّ معینی از گرما، از میان حدود متعدد. همین‌گونه است اختصاص هر کدام از کواکب و تدویر و اوج و حضیض‌ها به جانب معینی از فلک، به رغم تساوی با سایر جهات. و اگر این‌گونه نبود، فلک بسیط نمی‌بود و این، خُلف است. و همین‌طور است اختصاص هر یک از متمّمات به مقدار معینی از گرما با اینکه همه دارای یک طبیعت هستند» (نیلی نجفی، مخطوط: ۴۷).

آنچه گفته شد حاکی از اشراف محقق نیلی به طبیعیات و افلاک و استفاده از آن‌ها در مباحث علمی است.

۴-۲. علوم نقلی

۴-۲-۱. علوم ادبی

محقق نیلی، گاه از قواعد ادبی در اثبات یا ردّ یک مدعا بهره می‌گیرد. به عنوان نمونه در ردّ اینکه «کلم» در عبارت: «كَلَّمَ اللهُ مُوسَى» از ریشه «کلم» به معنای «جرح» باشد، می‌گوید: کلام، جمع «کلمه» بر وزن فَعَلَه است و جمع آن فَعَال است، به خلاف کلم به معنای جَرَح که بر وزن فَعَلَ و جمع آن فَعُول است (نیلی نجفی، مخطوط: ۴۸-۴۹).

در اثبات عدم امکان رؤیت خداوند، با ذکر آیه شریفه «قَالَ لَنْ تُرَآنِي» (اعراف: ۱۴۳) گفته است: خداوند رؤیت را با «لن» نفی کرد و «لن» برای نفی ابد است، یعنی به هیچ وجه رؤیت امکان‌پذیر نیست (نیلی نجفی، مخطوط: ۶۴).



محقق نیلی در تبیین آیه میثاق ﴿أَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُمْ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾ (اعراف: ۱۷۲). گفته است: آنها با «بلی» جواب دادند، یعنی، بله، تو پروردگار ما هستی. پس ایمان آنها ثابت شد، چرا که «بلیم برای اثبات کلام منفی است و اگر با «نعم» پاسخ می‌دادند، کافر می‌شدند، چون «نعمم بازگرداندن عین سخن گذشته است، پس تقدیر کلام آنها این می‌شد: خدای ما نیستی (همان: ۳۸۸).

۲-۲-۴. تاریخ

سید عبدالکریم نیلی نسبت به استفاده از مباحث تاریخی در پیشبرد مباحث کلامی، اهتمام داشته است. در معرفی پیامبر اکرم ﷺ با استفاده از بخش‌هایی از اتفاقات زندگی ایشان، برتری رسول خدا ﷺ بر سایر انبیاء را اثبات می‌کند (نیلی نجفی، مخطوط: ۱۲۱).

در مقایسه بین پیامبر اکرم با سایر انبیاء می‌گوید: اگر خدا با موسی یک بار سخن گفت، رسول خود را سوار بر بُراق به بالای هفت آسمان برد (همان: ۱۲۲)؛ اگر خداوند یعقوب را به فقد یوسف (با علم به زنده بودنش) مبتلا کرد، پیامبر کرم ﷺ را بین فقد فرزندش ابراهیم و جدایی از حسین ﷺ مخیر کرد و پیامبر اکرم ﷺ حسین ﷺ را برگزید و به فقد ابراهیم مبتلا شد (همان: ۱۲۳)؛ اگر یوسف به غربت مبتلا شد، پیامبر ما و اهل بیتش به آوارگی و قتل و اسارت مبتلا شدند؛ اگر یوسف به سجن افتاد، پیامبر و اهلش در شعب ابی‌طالب محصور شدند؛ اگر عصای موسی به مار تبدیل شد، در جنگ بدر، شمشیر عکاشه از بین رفت، پیامبر به او چوب خشکی داد و فرمود با این بجنگ، عکاشه با آن چوب، افراد زیادی را کشت؛ اگر آب برای موسی از زمین جوشید، برای پیامبر از انگشتش جوشید (همان).

ایشان برخی نزاع‌های تاریخی را بررسی و ارزیابی کرده است. به عنوان نمونه، مسئله ازدواج امّ کلثوم با عمر بن الخطاب را به تفصیل بررسی کرده و غیر واقعی بودن آن را اثبات می‌کند (همان: ۱۶۵). درباره قیام جناب زید بن علی بن الحسین ﷺ (همان: ۲۲۵) و ماجرای ازدواج شهربانو با امام حسین ﷺ (همان: ۲۱۱) مطالبی مطرح کرده است.

۵. جایگاه عقل در روش کلامی سید عبدالکریم نیلی

سید عبدالکریم نیلی در مباحث کلامی از استدلال‌های عقلی و فلسفی به خوبی بهره برده است. در این جا نمونه‌هایی را بازگو می‌کنیم:

۱. در اثبات عمومیت و شمول علم الهی گفته است: «وقتی فی الجمله ثابت شد که خداوند عالم است، عمومیت علم او لازم می‌آید، چون اگر بعضی امور را بداند و برخی را نداند، ترجیح بلا مرجح لازم می‌آید» (نیلی نجفی، مخطوط: ۳۹).

۲. در اثبات نفی آلم در خداوند و پاسخ به شبهات در این باره، با استفاده از استدلال‌های فلسفی می‌گوید: «هر آنچه غیر خداوند است، معلول او است و هیچ معلولی در منافات با علت خود واقع نمی‌شود» (همان: ۶۸).

۳. در اثبات نفی جوهریت و عرضیت از خداوند می‌گوید: «جوهر محلی است که عرض به آن قوام می‌یابد، پس اگر جوهر باشد، محلّ خواهد بود و آن قسم دوم است، پس ملازمه آشکار است چرا که حالّ و محلّ مقتضی ترکیب هستند و ترکیب بر او محال است، بنابراین حالّ یا محلّ بودن بر او محال است. در نتیجه تالی باطل است، بنابراین مقدم هم باطل است. در نتیجه خداوند نه جوهر است و نه عرض» (همان: ۶۹).

۴. برای اثبات ضرورت امامت (همان: ۱۲۶)، ویژگی‌های امام (همان: ۱۲۸)، امامت امام علی علیه السلام (همان: ۱۳۶) و موارد دیگری که اثبات آن‌ها از طریق نقل ممکن است، از براهین عقلی بهره برده است.

۵. در اثبات حدوث کلام الهی گفته است: «حروف و اصوات، مسبوق به غیر خود بوده و معدوم می‌شوند، هیچ قدیمی مسبوق به غیر نبوده و معدوم نمی‌شود، پس کلام الهی قدیم نیست» (همان: ۵۰).

۶. جایگاه نقل در روش کلامی سید عبدالکریم نیلی

سید عبدالکریم نیلی از نقل و حیانی بویژه آیات قرآنی، در مباحث کلامی بسیار بهره گرفته است که نمونه‌هایی را بازگو می‌کنیم:

۱. نفی جوهریت و عرضیت از خداوند با استناد به آیه شریفه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (شوری: ۱۱) (نیلی نجفی، مخطوط: ۶۹).

۲. اثبات علم خداوند به جزئیات با استناد به آیه شریفه: ﴿وَ قَالُوا لَجُودِهِمْ لِمَ سَهَدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ تَرْجَعُونَ﴾ (فصلت: ۲۱) (همان: ۴۰).

۳. اثبات قبح تکلیف بما لا یطاق با استناد به آیه: ﴿لَا يَكْفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره: ۲۸۶) (همان: ۸۴).

۴. تبیین لطف خداوند، با استناد به آیه: ﴿وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَبِيَعٍ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيراً وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حج: ۴۰) (همان: ۸۴).

۵. اثبات صفت تکلم برای خداوند با استناد به آیه: «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيماً» (نساء: ۱۶۴) (همان: ۴۸-۴۹).

۶. اثبات توحید ذاتی خداوند با استناد به آیات متعدد از قرآن کریم، قبل از استدلال عقلی بر آن (همان: ۵۲-۵۴).

۷. اثبات اینکه حرام رزق نیست، با استناد به آیه: ﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (منافقون: ۱۰؛ یونس: ۵۹) (همان: ۸۶-۸۷).

۸. اثبات امتناع آلم در خداوند با استناد به آیه: ﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَاداً وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۲) (همان: ۶۸).

۹. اثبات فاعلیت انسان با استناد به آیات متعدد از قرآن کریم (همان: ۷۸).

۱۰. اثبات حدوث کلام الهی با استناد به آیه: ﴿مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا أَشْتَمَعُوهُ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ﴾ (انبیاء، ۲) (رک: همان: ۵۰).

۱۱. استدلال به آیه ۷۲ سوره اعراف برای اثبات تجرد نفس (همان: ۳۸۸).

۷. شیوه مواجهه سید عبدالکریم نیلی با اقوال و آراء دیگران

سید عبدالکریم نیلی روی کرد نقادانه‌ای داشته و در مباحث مختلف، آراء و عقائد دیگر متفکران و مذاهب را نقل و بررسی کرده است. اهتمام به آراء فرق و مذاهب در آثار ایشان به اندازه‌ای است که به جد، می‌توان روش بحث ایشان در مباحث کلامی را تطبیقی نامید.

مصنف نسبت به فلاسفه نقدهای بسیاری دارد (نیلی نجفی، مخطوط: ۳۳، ۳۴، ۵۶-۵۸، ۳۹، ۴۶-۴۷ و ۹۴-۹۵). وی نسبت به معتزله فقط در چند مساله مواجهه انتقادی داشته است. با توجه به روی کرد نقادانه سید عبدالکریم نیلی، این امر کاشف از قرابت رأی و مکتب کلامی ایشان به معتزله می‌باشد. ایشان در بحث قدرت خداوند، دیدگاه ابوالقاسم بلخی که معتقد است قدرت خداوند به مثل قدرت انسان تعلق نمی‌گیرد را نقل و نقد می‌کند (همان: ۳۷). همچنین اشکال نظام را در این که اگر افعال انسان به خداوند استناد داده شود، استناد قبائح به خداوند لازم خواهد آمد و شبهه جبائیه در اینکه قدرت خدا به غیر مقدور عبد تعلق نمی‌گیرد را نقل کرده و به

آن پاسخ داده است (همان: ۶ و ۳۶-۳۷).

در مورد اشاعره، در مسائل بسیاری مواجهه نقادانه دارد. وی دیدگاه اشاعره در غرض داشتن افعال الهی (همان: ۶)، زیادت صفات الهی بر ذات (همان: ۳۷ و ۴۶)، انکار حسن و قبح عقلی (۷۴-۷۶)، کلام الهی (همان: ۹)، اعتقاد به قدمای تسعه (همان: ۵۱)، جواز رؤیت خداوند (همان: ۶۶) و تجویز قبایح بر خداوند (همان: ۶۷) را نقل و نقد کرده، و گاهی عبارات تندى نسبت به اشاعره بکار می‌برد (همان: ۶۵، ۷۸ و ۸۴). وی در نقد مشبیه و مجسمه نیز همین روش را بکار برده است (همان: ۴۲ و ۶۱).

اهتمام به آراء و نظریات مطرح در یک موضوع، در آثار ایشان به خوبی مشهود است. گاهی با ذکر نام، از علماء یاد می‌کند. بوعلی، خواجه نصیر و فخر رازی از این قبیل هستند (نیلی نجفی، مخطوط: ۴۱). و در مواردی هم بدون ذکر نام، مطالبی را از برخی دانشمندان نقل کرده است. نقل از علامه حلّی و کتاب نهج الحق ایشان، و نیز نقل از ابن میثم بحرانی و کتاب قواعد المرام فی علم الکلام، از این موارد است. در بحث عدم جسمانیت خداوند، بدون ذکر نام علامه حلّی عین عبارات علامه در نهج الحق و کشف الصدق (صفحه ۱۵) را آورده است (نیلی نجفی، مخطوط: ۶۱). در موردی دیگر عین عبارت نهج الحق (ص ۷۲ و ۱۳۹-۱۴۰) را نقل می‌کند (نیلی نجفی، مخطوط: ۷۶ و ۹۶). در بحث مربوط به نفی جوهریت و جهت از خداوند، عین عبارات کتاب «قواعد المرام» ابن میثم بحرانی (۷۱-۷۲) را نقل کرده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

سید عبدالکریم نیلی در کلام از روش نقلی — عقلی استفاده کرده است. روش عقلی او ضد فلسفی است و در روش نقلی از روایات نبوی و سخنان ائمه معصومین (علیهم السلام) بهره فراوان برده است. وی بدلیل جامعیت در علوم عقلی و نقلی دیدگاه های مختلف و ادله آنها را در مسائل مختلف نقل و بررسی کرده است. در مواردی از دیدگاه موافق خود جانبداری کرده و در مواردی هم آراء جدیدی عرضه نموده است. ایشان سهم مهمی در توسعه و تحکیم مباحث اعتقادی ایفا نموده است.

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة*، قم، دار سید الشهداء للنشر.
۲. ابن فهد حلّی، جمال الدین ابی العباس احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *المهذب البارِع فی شرح المختصر النافع*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، ۱۴۳۱ق، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۴. امین، سید محسن، ۱۴۰۳ق، *أعیان الشیعة*، بیروت، دار التعارف.
۵. آقا بزرگ تهرانی، محمد حسن، ۱۴۰۳ق، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دار الأضواء.
۶. آقا بزرگ تهرانی، محمد حسن، ۱۴۳۰ق، *طبقات أعلام الشیعة*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۸. مرعشی، قاضی نورالله، ۱۴۰۹ق، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۹. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، *خاتمة مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۰. نیلی نجفی، سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم، ۱۳۷۸ش، *منتخب الانوار المضیئة*، تحقیق مؤسسه امام هادی عليه السلام، قم، انتشارات مؤسسه امام هادی عليه السلام.
۱۱. نیلی نجفی، سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم، مخطوط، *الانوار المضیئة فی الحکمة الشرعیة*، کتابخانه آستان قدس رضوی، به شماره ۴۰۵۲۱، شماره خصوصی نسخه ۲۹۹۱.